

یادداشت امین عظیمی پیرامون انتشار تصویرش در خبر ۲۰:۳۰



امین عظیمی با انتشار یادداشتی؛ در ارتباط با انتشار عکس‌هایی در سیما که او را در کنار محمد یعقوبی نشان می‌داد و همکاری‌های مشترک با هنرمندان تئاتر؛ توضیحاتی ارائه کرده است.

امین عظیمی، نویسنده، مترجم و منتقد تئاتر و سینما در ارتباط با پخش اخباری در خصوص فعالیت‌های هنری محمد یعقوبی، نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان تئاتر در بخش خبری ۲۰:۳۰ و انتشار تصاویرش در این برنامه که موجب بروز حاشیه‌هایی شده است؛ یادداشتی منتشر کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در این یادداشت که با عنوان «من تئاتری‌ام» در اختیار خبرگزاری ایلنا قرار گرفته؛ آمده است:

همواره در هر محفل هنری و کاری که حضور پیدا می‌کنم این امر را برای خودم افتخار بزرگی می‌دانم که بگویم من یک تئاتری‌ام. تحصیلاتم، کارهای مختصرم و تدریسم در چارچوب این هنر ارزشمند و انسانی بوده است و اعتقاد دارم تئاتر بهترین ابزار برای ایجاد همدلی، درک و گفتگوی متقابل در سرزمین ما است. طبیعی است به فراخور این مهم با بسیاری از چهره‌های تئاتری کشور از نمایش‌نامه‌نویسان گرفته تا کارگردانان و بازیگران در ارتباط و تعامل بوده‌ام. یکی از این افراد محمد یعقوبی بوده است.

نمایش‌نامه‌نویس و کارگردانی که همواره وسواس و تعهد اجتماعی‌اش را در ارتباط با بازنمایی آسیب‌های اجتماعی ستوده‌ام. کسی که از تئاتر کالایی مصرفی نمی‌سازد بلکه می‌کوشد به سهم خود به اصلاح جامعه و ایجاد تعادل در آن کمک کند. افتخاری بود که در سال ۱۳۸۹ در سمت دستیار، ۹ ماهی را با پروژه‌ی «نوشتن در تاریکی» همکاری کنم و با فوت و فن‌های تکنیکی کارهای او از نزدیک آشنا شوم. اجرایی که سعی می‌کرد با کندکاو در دنیای شعر و ادبیات و همچنین اختلاف نظر آدم‌ها به گونه‌ای آینه‌دار عصر و زمانه‌ی خودش باشد. بعدتر من به فعالیت‌های پژوهشی و انتقادی‌ام ادامه دادم و محمد یعقوبی به اجرای آثارش و این فرصت دیگر دست‌نداد تا در پروژه‌های آتی با ایشان همراهی کنم. هرچند در این سال‌ها تمامی اجراهای ایشان را دیده‌ام و اتفاقاً انتقاداتم را در سایه‌ی مهربانی و صبوری‌شان با صراحت هرچه تمام‌تر بیان کرده‌ام. اینکه گاه در کارها و اظهار نظراتشان آنقدر به صراحت کلمه وفادارند که جانب تعادل را از دست می‌دهند و به اصطلاح برای خودشان دشمن می‌تراشند. آنچنان که در مورد اظهارنظرات ایشان سوءبرداشت‌هایی شد که در نهایت با

تکذیب این سخنان ماجرا پایان یافت. اما شاید مشکل ریشه در تئاتر خود ما هم دارد. تئاتری که بخل و حسد و تنگ نظری یکی از ارکان همیشگی اش بوده و هست و تنها یک نوبت اجرا می‌تواند در آن هر کافری را مسلمان و هر مسلمانی را در چشم بسیاری آن هم در طرفه‌العینی کافر کند. هیئات!

این روزها نیز اجرای چند کار متوالی از ایشان فضا را به گونه‌ای کرده است که دوغ و دوشاب باهم قاطی شده و هرکس از ظن خود به این مسئله پرداخته است. با این حال خاستگاه اصلی این یادداشت حادثه‌ای است که در چارچوب برنامه ی ۲۰:۳۰ شبکه‌ی دوم سیما چند شب پیش رخ داد و در گزارشی نکاتی به ایشان نسبت داده شد که برای بنده که از نزدیک ۹ ماهی در جوارشان بودم جای بسی تعجب داشت و طرفه آنکه در یکی دو تصویر از این گزارش عکس بنده در کنار ایشان، صفحات تلویزیونی را پرکرده بود و برای بسیاری از دوستان من این سوال را ایجاد کرد که دخل من به این موضوع چیست؟

واقعیت این است که هر انسانی وجود و هویتی مستقل دارد. ممکن است اظهار نظر بکند، بنویسد و حرف بزند اما قضاوت کردن در مورد افراد تنها بر مبنای همین منش و رفتار ایشان صورت می‌پذیرد نه اظهار نظرات اطرافیان ایشان. گزارش ۲۰:۳۰ از دو منظر از جانب انصاف و اخلاق خارج شده بود. نخست آنکه معلوم نیست با چه انگیزه‌ای تصویر بنده را در این گزارش مورد تاکید قرار می‌داد؟ و دیگر اینکه در بیان نکات پیرامون محمد یعقوبی بسیار گزینشی عمل کرده بود.

تصویر منتشر شده در برنامه خبری ۲۰:۳۰ که حاشیه‌هایی برای عظیمی ایجاد کرد.

نکته‌ی دوم امری است که محمد یعقوبی به عنوان یک نویسنده و حقوقدان، خود به خوبی از پس توضیح‌اش برمی‌آید اما مسئله‌ی نخست پرسشی است که بنده از این گزارشگر محترم دارم. اینگونه دیگران را در مظان انگشت‌نمای خلق قرار دادن با چه معیار اخلاقی مناسبت دارد؟ تصویر بنده به عنوان یک انسان حقیقی چرا باید اینگونه مورد سوء استفاده‌ی رسانه‌ای قرار بگیرد؟ اینکه در ۵ سال قبل تنها برای چندماه دستیار فردی بودم و تمام چه ارتباطی به زمان حال دارد؟ بویژه آنکه این چنین اتهام‌زنی به کسانی که همواره در چارچوب قانون و خیر و صلاح کشور خویش قدم برداشته‌اند و قلم زده‌اند چه توجیهی دارد؟ من از جانب خودم به عنوان یک همکار رسانه‌ای به شما می‌گویم ابتدا تحقیق کنید و بعد اتهام بزنید و در این بین ببینید اقدام شما موجب بزه و حرج بر دیگران و اطرافیان نباشد.

در هر حال محمد یعقوبی در زمان دولت‌های ۸ و ۹ حداقل ۴ تله تئاتر را برای شبکه‌ی ۴ کارگردانی کرده است که تمامی آنها از سیمای جمهوری اسلامی ایران با عناوین «زمستان ۶۶»، «خانم سویج عجیب»، «آدم خوابش می‌گیره» و اجرایی که این روزها هم روی صحنه‌ی تماشاخانه‌ی ایرانشهر با عنوان «دل سگ» هست پخش شده است. آیا همکاری با چنین فردی که تمامی اجراهایش با مجوزهای قانونی همراه بوده است و از جشنواره‌ی تئاتر فجر دوره‌های مختلف که به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می‌شده جوایزی دریافت کرده، جرم است؟ یا امری است که باید پنهانش کرد؟

در هر حال شایسته است مدیران بخش‌های خبری رسانه‌ی ملی در نحوه‌ی انعکاس دیدگاه‌های خود به گونه‌ای شائبه برانگیز اقدام نکنند که موجب دل‌سردی وفاداران و همراهان این سرزمین عزیز باشد. آن هم گروهی که به عنوان خدمتگزاران فرهنگ و هنر در سالی که به عنوان سال عزم ملی برای اقتصاد و فرهنگ نام گرفته است نیازمند حمایت و همراهی هرچه بیشتر دستگاه‌های ذیربط هستند و در این میان اهالی مظلوم هنر شریف تئاتر که با تمامی دشواری معیشت‌شان می‌کوشند با تولید آثار ارزشمند در برابر رسانه‌های بیگانه و هجوم بی‌امان شبکه‌های پوچ ماهواره‌ای مقاومت کنند.

باشد که دیگر زمینه را برای اتهام‌زنی و توهین ناروا بر انسانها هموار نکنیم، حال می‌خواهد در هر جایگاه و مسندی باشیم.
امین عظیمی

